

کسی به عراق توجه نمی‌کند

■ درحالی که بهار عربی موجب تغییراتی در منطقه ماست و میلیون‌ها عرب در آرزوی دموکراسی و اصلاح امور به سر می‌برند کسی دیگر به عراق و ملت آن توجهی نشان نمی‌دهد. حال آنکه در تحولات اخیر، عراق نخستین کشوری بود که نظام دیکتاتوری را به دموکراسی تبدیل کرد. این حرکت می‌تواند عنصری مثبت در راه پیشرفت و علیه نیروهای افراطی باشد یا به حرکتی منفی تبدیل شود که منطقه و جامعه بین‌المللی را نسبت به آن بدبین می‌کند.

در حال حاضر بحث‌ها در بغداد و واشنگتن پیرامون شرایط تداوم حضور نیروهای آمریکایی پس از اتمام سال جاری میلادی است. به‌رغم اینکه این مساله ضروری است اما باید گفت این امر مشکلات اساسی موجود در عراق را حل نخواهد کرد، بلکه بیشتر مخاطرات فرایند پیرامون ثبات در خاورمیانه و جامعه بین‌المللی را گوشزد می‌کند. هدف اساسی از افزایش نیروهای آمریکایی فراهم کردن شرایط برای آشتی ملی و بازسازی نهادهای کشور و زیرساخت‌های عراق بود اما تاکنون این اهداف هیچ کدام تحقق نیافته است.

پس از گذشت بیش از هشت سال از زمان سرنگونی رژیم صدام حسین، همچنان خدمات اساسی در وضعیت محقرانه‌ای است. بخش اعظم کشور هنوز جز در ساعت‌های محدودی برق ندارد. قطع برق در طول این تابستان دیگر امری کاملاً شایع بود. صادرات نفت – که همچنان تنها منبع درآمد عراق است – به صورت بخشی از آنچه در دوران صدام بود، ادامه داشته و همچنان افزایشی را نشان نمی‌دهد. دولت سعی کرد قیمت‌های نفت را که رو بهبالا بود کاهش دهد اما نتوانست در عرصه این کار رشد قابل ملاحظه‌ای را شاهد باشد. اقتصاد عراق همچنان با آمیزه‌ای از سوءمدیریت، رانت‌خواری، افزایش میزان بیکاری و گسترش فساد دست و پنجه نرم می‌کند. عراق در فهرست شفافیت‌های بین‌المللی، جزو چهارمین کشور از کشورهای است که بیشترین درجه فساد را دارند. وضعیت عراق در مقایسه با کشورهای منطقه خاورمیانه از این کم بدتر است، وعده‌های داده‌شده برای بهبود شرایط و مبارزه باافزایش طایفه‌گری همه توخالی بودند. اخیرا پنتاگون اعتراف کرده که حملات تروریستی نیز در عراق در حال افزایش است.



آخرین گزارش ارایه‌شده به کنگره آمریکا پیرامون بازسازی عراق نشان می‌داد که ماه ژوئن در مقایسه با سایر ماهه‌ها (از سال ۲۰۰۸ تاکنون) خونین‌ترین ماه بوده است. این گزارش در پایان اعتراف کرد که عراق از یک سال پیش خطرناک‌تر شده است. متأسفانه در بین نیروهای امنیتی تازه تأسیس عراق، ما شاهد افراط‌گرایی‌هاودسته‌بندی‌های مختلف هستیم. سازمان دبدبانه حقوق بشر در ماه فوریه اعلام کرد زندان‌هایی سریی وجود دارد که وظیفه‌شان نگهداری و شکنجه مخالفان است. کما اینکه در ماه ژوئن اعلام شد دولت با استفاده از لباس شخصی‌های استخدام‌شده خود اقدام به سرکوب و ضرب و شتم کسانی کرد که در بغداد تظاهراتی مسالمت‌آمیز برگزار کرده بودند و نسبت به فساد و کاهش خدمات عمومی گلایه داشتند. این رفتارهای هولناک، ما را به یاداعمال استبدادی رژیم‌های سرنگون‌شده در سایر نقاط جهان می‌اندازد و به کلی از آزادی و دموکراسی وعده داده‌شده برای عراق جدید فاصله دارد.

طولانی شدن حضور نیروهای آمریکایی در عراق به تنهایی مشکلی را حل نخواهد کرد. باید در کنار آن تلاش‌های سیاسی منسجمی در سطوح بالا صورت گیرد تا بتواند آزادی و پیشرفت را برای عراقی‌هایی که در این سال‌ها خون داده و رنج کشیده و صبرشان دیگر به اتمام رسیده است، تضمین کند.

باید – کما اینک می‌توان – بر اجرای کامل و مناسب توافق‌نامه تقسیم قدرت در عراق که سال ۲۰۱۰ به تصویب رسید تأکید ورزد و در عین حال مراقب بود و توازن لازم را به وجود آورد تا از قدرت سوءاستفاده نشود و دولت فعلی کامل شود و نهادهایش بر مبنای اصول غیرطایفه‌گری سامان یابد.

منبع:الشرق الاوسط

آلن ژوپه مطرح کرد

اختلاف فرانسه و آلمان در مورد حمله به لیبی

ترجمه: محمدعلی فیروزآبادی

■ ■ ■

آلن ژوپه، وزیر امور خارجه فرانسه در این مصاحبه در مورد یگان‌های بازسازی اروپا برای لیبی، اختلاف‌نظر‌ها با برلین و.. می‌گوید. در زیر بخش‌هایی از این گفت‌وگو می‌آید.

■ **آقای وزیر، پیش از جنگ عراق در سال ۲۰۰۳ آلمان و فرانسه دقیقاً با یکدیگر هماهنگ بودند، چرا در مورد لیبی این هماهنگی و همراهی میان دو کشور وجود نداشت؟**
هر کس انتخاب خودش را کرد. فرانسه بر این عقیده بود با توجه به اینکه مردم بنگازی در معرض تهدید مستقیم قرار دارند، مداخله نظامی امری ضروری است. آلمان تصمیم دیگری گرفت و ما هم به این تصمیم احترام می‌گذاریم. از آغاز عملیات‌ها و پیش از آن در جریان کنفرانس پاریس در ماه مارس صدراعظم مراک اعلام کرد که آلمان در این عملیات‌ها شرکت نمی‌کند اما با این حال خنثی هم نمی‌ماند.

■ **آیا فرانسه فکر می‌کرد با می‌دانست که برلین با تصمیم شورای امنیت سازمان ملل مخالفت می‌کند؟**

بله، البته، وسترنله همتای آلمانی من خیلی زود روشن کرد که آلمان مخالف به کارگیری ابزار نظامی است و از این کار خودداری می‌کند. در آن زمان من و او در یک نشست مشترک مطبوعاتی در بروکسل گفتیم که حتی اگر در مورد وسیله بر یک نظر نباشیم اما در مورد هدف هم‌عقیده هستیم. فرانسه باور داشت که کاربرد خشونت ضروری است و آلمان بر این عقیده بود که تحریم‌ها کفایت می‌کند اما در مورد این هدف یعنی کناره‌گیری قذافی از قدرت هر دو بر یک نظر بودیم. نباید اجازه دهیم که اختلاف‌نظر‌ها تبدیل به یک مساله غم‌انگیز شود. امروزه ما بار دیگر در کنار هم هستیم تا به بازسازی لیبی کمک کنیم.

■ **این مساله چه پیامدهایی برای سیاست خارجی مشترک اروپا دارد؟**

در بحران عراق در سال ۲۰۰۳ شاهد مشکلاتی در این مورد بودیم. من فکر می‌کنم این بار اختلاف‌ها در اروپا چندان عمیق نیست و همان‌طور که گفتیم ما در مورد هدف کاملاً هم‌عقیده هستیم. من بعید می‌دانم که توانایی‌های اتحادیه اروپا برای ساختن لیبی جدید تعقیف شده باشد.

■ **فرانسه در سال‌های اخیر همکاری‌های نظامی خود با بریتانیا را تقویت کرده است، چرا در رابطه با آلمان شاهد چنین پیشرفتی نیستیم؟**

من چنین احساسی ندارم. ما در واکنش به بحران یورو و بحران اقتصادی همکاری تنگتنگی با آلمان داشتیم و به پیشرفت‌های بزرگی نایل شدیم. ایده یک دولت اقتصادی در حوزه یورو تا همین چندی پیش عمومی نشده بود و امروزه به مراتب فراگیرتر شده است. این درست است که ما در حوزه

نظامی با آلمان دچار اختلاف در برآوردها هستیم و با بریتانیا قرارداد لنکستره‌هاوس را متعقد کرده‌ایم و در بسیاری حوزه‌ها همکاری داریم اما با آلمان نیز همکاری‌های نزدیکی داریم به عنوان مثال در حوزه مثلث وایمار که هدف آن اتخاذ سیاست خارجی و امنیتی مشترک است.

■ **اروپا در این بحران غایب بود. آیا این به معنی زاید بودن پست خاتم‌آشتون یعنی پست «وزیر خارجه اروپایی» نیست؟**

این درست نیست. خاتم‌آشتون به هیچ عنوان در بحران لیبیی غایب نبود زیرا ما در تمام نشست‌های شورای روابط خارجی به ریاست وی در مورد لیبی صحبت کردیم. آشتون در مورد آمادگی برای «روز بعد از سقوط قذافی» هم کاملاً فعال بود. امروز هم در مورد مسائل انسانی از قبل حقوق بشر و نظارت بر انتخابات و تشکیل دولت جدید لیبی فعالیت دارد. بی‌تردید در طول دوران عملیات نظامی همه نگاه‌ها نه به اتحادیه اروپا، بلکه به ناتو دوخته شده بود.

■ **در آغاز کار گفته می‌شد که هدف از عملیات نظامی در لیبی سرنگونی قذافی نیست اما واقعیت دقیقاً این نبود.**

من از همان اول گفتم که هدف این است حتی اگر در قطعنامه شورای امنیت به آن اشاره نشده باشد. شورای امنیت چارچوب حقوقی این عملیات را تنظیم کرد اما از نظر دیپلماتیک قذافی دیگر مشروعیتی نداشت. حتی من متهم شدم که بسیار زود هنگام در مورد سرنگونی قذافی گفته‌ام اما شما می‌دانید که گروه هشت در بیانیه خود از لزوم کنار رفتن قذافی گفته بود و مراک و سارکوزی در نشست سران در دوویل دقیقاًاین مساله را فرمول‌بندی کردند.

■ **اما روسیه و چین شکایت دارند که فراتر از اختیارات سازمان ملل عمل شده است.**

ما به قطعنامه شورای امنیت احترام می‌گذاریم حتی اگر روسیه نگاه دیگری به آن داشته باشد. در ضمن طی شش ماه حملات هوایی علیه اهداف نظامی در لیبی تعداد کمی غیرنظامی بر اثر این حملات قربانی شدند. ما به خوبی از عهده ایفای نقش خود یعنی حمله به اهداف نظامی و حمایت از غیرنظامیان برآمده‌یم. یادآوری می‌کنم که پرزیدنت مدوود نیز در دوویسل آن بیانیه را امضا کرد، همان بیانیه‌ای که در آن با جزئیات آمده بود هدف کناره‌گیری قذافی از قدرت است. حالا به ما می‌گویند که باید قذافی را رای میز ملاکزه می‌کشاندند. نه! ما با همه قوا از شورای انتقالی حمایت می‌کنیم و هدف نخست این شورا هم سرنگونی قذافی بود. آنچه بعد از این سرنگونی اتفاق می‌افتد، مربوط به مردم لیبی است.

■ **آیا نیازی به اعزام یگان‌های حافظ صلح به لیبی بعد از این جنگ احساس می‌شود؟**



عکس: Getty images

گفتند. آیا مدیریت بحران تا به امروز خوب بوده است؟

ایده‌آل نبود چون زمان زیادی طول کشید تا همه ۱۷ کشور عضو حوزه یورو به توافق برسند اما آلمان و فرانسه باید همیشه نقشی تعیین‌کننده ایفا کنند و ما همیشه در نهایت موفق شد‌ایم. به عقیده من در نشست ۲۱جولای سران حوزه یورو در بروکسل و همین‌طور در نشست ۱۶اگوست سران آلمان و فرانسه در پاریس تصمیمات خوبی گرفته شد. البته وضعیت همچنان شکننده و بازارها آشفته است اما باید بگویم که این یک بحران صرفاً اروپایی نیست و آمریکا و کل جهان با بحران و مشکل روبه‌رو هستند که همه آن به خاطر بدهی‌های دولت‌هاست و این یک مشکل جهانی به حساب می‌آید. به هر حال انحلال حوزه یورو امری غیرقابل پذیرش است زیرا این می‌تواند به معنی انحلال اروپا باشد. اگر چنین چیزی اتفاق بیفتد آنگاه احتمال هر اتفاقی وجود دارد. ظاهراً جوان خيال می‌کنند که صلح برای همیشه امری تضمین شده است. با نگاهی به اروپا می‌بینیم که یوپولیسوم ناسیونالیسم جدیدی سر بر آورده است نباید ساده انگار باشیم. اتحاد اروپا همواره برای همه ما امری مطلوب و به تبع آن حفظ حوزه یورو هم از اهمیتی ویژه برخوردار است. به همین خاطر هر آنچه را لازم باشد برای حفظ حوزه یورو انجام خواهیم داد.

■ **آیا اروپایی‌ها باید در این مورد نقشی ایفا کنند؟**
بله، البته، حال از ناتو انتظاری نمی‌رود و همه از اتحادیه اروپا انتظار دارند.

■ **و نقش آلمان؟**

در اینکه حضور آلمان ادامه خواهد یافت، تردیدی ندارم. آلمان خواهان مشارکت در بازسازی لیبی است. آلمانی‌ها می‌خواهند که در صورت تصمیم سازمان ملل دایر بر اعزام ناظران به لیبی در این کار مشارکت کنند و ما هم از این مساله خوشحال هستیم. ما نقش خود را ایفا کرده‌ایم و حال نوبت دیگران است که مسوولیت قبول کنند.

■ **شما در مورد همکاری آلمان و فرانسه در بحران یورو**

منبع:فرانکفورتر آنگماینه

■ امروزه میزان برق تولیدی این کشور در مقایسه با ۳۱ سال پیش یعنی زمانی‌که موگابه به قدرت رسید به مراتب کمتر است اما شرکت‌های خارجی به ویژه در شاخه‌های معدن و کشاورزی کار دشواری در پیش رو دارند. حزب متبوع موگابه یعنی حزب زانو در نظر دارد که پس از سلب مالکیت از سه هزار کشاورز سفیدپوست داری‌های شرکت‌های خارجی را نیز مصادره کند تا به این ترتیب به بی‌عدالتی‌های برجای مانده از دوران استعمار پایان دهد. در حال حاضر قانونی موسوم به بومی‌سازی در دست تدوین است که بر پایه آن ۵۱ درصد از این ثروت‌ها به سیاه‌پوستان این کشور انتقال می‌یابد. تا چندی پیش کنسرسیوم‌های شاغل در شاخه معدن این امید را داشتند که راحمل‌هایی عملی برای بهبود اقتصاد زیمبابوه ارایه شود اما چندی پیش وزیر مربوطه با رد پیشنهادهای ۱۷۵ مدیر صنعتی بر همه این امیدها پایمان داد. او هم‌زمان تهدید کرد که اگر این شرکت‌ها به قانون بومی‌سازی عمل نکنند تا پایان سپتامبر باید زیمبابوه را ترک کنند. اما دولت وقتی پای فروش شرکت‌های زیان‌ده دولتی به میان می‌آید، نرم‌تر و دوستانه‌تر عمل می‌کند. به همین خاطر بود که دو شرکت مخابراتی و دولتی زیمبابوه به دو کنسرسیوم هندی واگذار شدند و پیش از آن دولت زیمبابوه از واگذاری کارخانه فولاد زیسکو به یک کنسرسیوم هندی به عنوان بزرگ‌ترین اقدام زیبنده در آن لباس نگهبانی با ششیدن خبرهای کشورش فقط سر تکان می‌دهد. او ترجیح می‌دهد که همین امروز به کشور بازگردد اما تا زمانی‌که انتخاباتی سالم و عادلانه برگزار نشود، این کار ممکن نیست. هنوز هم برگزاری انتخابات آینده در هاله‌ای از ابهام قرار دارد و هواداران اپوزیسیون تحت فشار و خشونت شدیدی بهسر می‌برند. تا چند روز دیگر مردی ۵۲ ساله در زیمبابوه محاکمه می‌شود که تنها اتهامش تعریف کردن یک لطیفه در مورد انتخابات برای همکارش بوده است. بر پایه تحقیقات یکی از نهادهای مردمی آفریقایی جنوبی رقم تخلف‌های مالی انتخاباتی در زیمبابوه به ۲۶میلیون دلار می‌رسد. جالب آنکه حاکمان زیمبابوه حداقل در این مورد اهل پنهان کاری نیستند و امروز همه می‌دانند که در این کشور تنها ۴۰هزار رای‌دهنده وجود دارد که از دنیا رفته و دیگر وجود خارجی ندارند. تاریخ تولد ۱۷هزار رای‌دهنده دیگر نیز تقریباً یکصد سال پیش بازمی‌گردد یعنی اول ژانویه ۱۹۰۱.

■ اما اینکه همه این اقدامات کارساز باشد، مورد پرسش است. کارشناسان صندوق بین‌المللی پول پس از دیداری در ماه ژوئن از زیمبابوه بیانی تکان‌دهنده ارایه دادند. بر این اساس و بر خلاف آمارهای دولتی رشد اقتصادی در این کشور روند نزولی پیدا کرده و به ۵/۵درصد رسیده است. آنچه بیش از همه بر نگرانی‌ها می‌افزاید بدهی‌های خارجی زیمبابوه است که ۱۸ درصد از تولید ناخالص ملی این کشور را می‌بلعد. حتی اگر همه معادن این کشور نیز به فروش گذاشته شود، باز هم به عقیده صندوق بین‌المللی پول نمی‌توان بدهی‌های خارجی را به طور کامل پرداخت. احیا شدن زندگی اقتصادی در زیمبابوه برای شرکت‌های سرمایه‌گذاری خصوصی از اهمیت بالایی برخوردار است.



کاپیتال می‌گوید: «در اینجا برای سرمایه‌گذاری که به کشورهای در حال توسعه آفریقا علاقه دارند، فرصت‌های منحصربه‌فردی وجود دارد. در این مورد نباید زیاد به سیاست توجه‌نشان داد».

اما باور چنین چیزی حتی برای خوشبین‌ترین کارشناسان هم کار آسانی نیست. دولت وحدت ملی زیمبابوه که زمانی از ائتلاف اجباری میان حزب زانو متعلق به موگابه و حزب سابقاً مخالف ام دی سی تشکیل شد، دولتی به شدت ناپایدار و بی‌اختیار نشان می‌دهد. هر کاری را که پیشنهاد می‌شود، می‌پذیرد و پول حاصل از آن را برای خانواده‌های خود می‌فرستند. مردی که به دلیل نگرانی برای خانواده‌اش از نام مستعار کیمتون زیبائدا استفاده می‌کند در حاشیه شهر ژوهانسبورگ به عنوان نگهبان مشغول کار است و ماهانه نزدیک به ۲۶۰ یورو درآمد دارد که البته بیش از نیمی از این پول را برای همسر و دخترش در بولاوایو می‌فرستد البته نقل و انتقال این پول‌ها به چندان ارزان نیست و راننده ۲۵درصد کمسیون می‌گیرد و بدون هر گونه تضمینی می‌گوید که این پول‌ها را به دست گیرندگان خواهد رساند. زیبائدا می‌گوید: «تا سه سال پیش مجبور بودیم که روغن خوراکی، آرد و برنج هم برای خانواده‌هایمان بفرستیم اما حالا فرستان پول کافی است و این یک پیشرفت محسوب می‌شود».

زیمبابوه تحت حکومت آن مستبد پیر ۸۷ ساله یعنی رابرت موگابه یک فروپاشی بی‌سابقه را تجربه کرده است. توان اقتصادی این کشور در عرض ۱۰ سال به نصف کاهش یافته و تورم نریم ابعادی هراسناک پیدا کرد. بعد از آنکه در فوریه ۲۰۰۹ دلار آمریکا به عنوان واحد رسمی جدید پولی این کشور معرفی شد، افزایش دهنشتناک تورم متوقف شد. از آن زمان بار دیگر قفسه سوپرمارکت‌ها پر از کالااست و همسر زیبائدا که یک معلم است این توان را دارد که حتی بدون آنکه شوهرش از آفریقای جنوبی پولی بفرستد، مواد مورد نیاز خانه را خریداری کند.

انتخابات آمریکا



فرید زکریا

ترجمه:مرجان پیشایانی

■ اگر فکر می‌کنید تنور سیاست آمریکا در این تابستان گرم‌تر شده، باید بگویم سخت در اشتباه هستید. پیش‌بینی می‌شود انجام سفر انتخاباتی رئیس‌جمهور در آینده نزدیک اوضاع را حتی بدتر کند. نمی‌خواهم پیش‌فرضی درباره نامزد جمهوری‌خواهان و آنچه می‌خواهد بگوید پیش بکشم. تنها می‌توان گفت که انتخابات آینده در شرایط اقتصادی بدی انجام خواهد شد که پیش از آن کمتر شاهد آن بوده‌ایم.

نمودارها نشان می‌دهند تولید ناخالص داخلی آمریکا طی ۲۵سال گذشته همواره در حال رشد بوده است و باز هم طبق آمارها امروز در طولانی‌ترین دوره رشد اقتصادی پایین‌تر از حد معمول قرار داریم و به نظر نمی‌آید به آسانی بتوانیم از این مشکل خلاص شویم.

اما فکری که درباره مشاغل آینده باید شود، موضوعی دیگر است. رشد سریع بازار کار ما پس از بحران اقتصادی به شدت پس رفته و می‌توانیم ظهور الگوی جدید رشد بیکاری در اقتصاد آمریکا را به روشنی ببینیم.

دلیل اینها چیست؟ هیچ‌کس به درستی نمی‌داند. شاید یکی از علت‌هایی که زودتر از بقیه به چشم می‌آید آن است که حباب غول‌آسای خانه‌سازی در آمریکا بالاخره ترکید. گذشته از آن، ۲۵سالی بود که قرض‌های دولت و مردم در حال انباشته شدن بود و اکنون زمان بازپس‌گیری قرض‌ها فرا رسیده است. تاریخ نشان می‌دهد از کار افتادن چنین اهرم نیرومندی رشد اقتصادی را کند می‌کند.

از سوی دیگر رشد مازای دو نیروی بزرگ یعنی تغییرات فناوری و جهانی شدن، کسب و کار را کارا‌تر و نیاز به نیروی کار را کمتر کرده است. اکنون از هر جا بخواهید می‌توان نیروی کار را به خدمت گرفت و در هر جایی از جهان که معمولاً ارزان‌تر از آمریکا تمام می‌شود، می‌توان کارخانه‌ای به پا کرد.

می‌دانیم که این دو نیرو مدتی است جای خود را در زندگی ما باز کرده‌اند ولی به نظر می‌رسد نقش آنها از ۲۰ سال گذشته پررنگ‌تر شده است.

با در نظر گرفتن همه اینها می‌توان گفت با چالش‌های سختی روبه‌رو هستیم. هیچ‌کس پاسخ نهایی را نمی‌داند ولی حتی با ندانستن پاسخ نیز سیاستمداران از لفاظی و عوام‌فریبی دست نمی‌کشند. پس منتظر یک انتخابات کلافه‌کننده‌باشید.

منبع:سی‌ان‌ان

گزارش

آمار ناپهنگام

■ آمار و ارقام مربوط به بیکاری ماه آگوست در آمریکا نشان‌دهنده آن است که بازار کار در این کشور دچار رکود شده است، چرا که اشتغالزایی این کشور در این مدت زمانی، ناموفق عمل کرده است. در مجموع ۱۷هزار واحد شغلی توسط بخش خصوصی ایجاد شده و درست به همان میزان هم از پست‌های دولتی کم شده است. این درحالی است که اقتصاد آمریکا در ماه ژوئیه حداقل ۸۵هزار فرصت شغلی را به وجود آورده بود. اداره کار آمریکا نرخ بیکاری این کشور در ماه آگوست در مقایسه با ماه پیش از آن را بدون تغییر و ۹/۱درصد اعلام کرده است.

نمودار نرخ بیکاری در آمریکا طی شش ماهه گذشته نشان می‌دهد که به‌رغم وعده کاخ سفید برای کاهش آن و کارآفرینی بیشتر، نه تنها این میزان کاهش نیافته بلکه نسبت به ماه‌مارس چیزی در حدود ۰/۳درصد افزایش داشته است. رکود بازار کار می‌تواند خطر بحران اقتصادی را تشدید کند. بلسارک اولیاما، رئیس‌جمهوری آمریکا قرار بود که این هفته در سخنانی خطاب به مردم و مقابل دوربین‌های تلویزیونی، برنامه جدیداشتغالزایی خود را با نمایندگان کنگره در میان بگذارد. اما پس از اعتراض جان بنتر رئیس مجلس نمایندگان کنگره موافقت کرده است که سخنرانی خود در کنگره دربراره اقتصاد را در موعد دیگری انجام دهد. اولیاما قصد داشت این سخنرانی را چهارشنبه هفته جاری انجام دهد که هم‌زمان با مناظره بعدی نامزدهای جمهوری‌خواه انتخابات ریاست‌جمهوری بود. او در این نطق می‌خواهد طرح خود برای ایجاد اشتغال را تشریح کند. این در حالی است که با نزدیک شدن به انتخابات ایالات متحده آمریکا و هم‌زمانی این آمار با مناظره‌های انتخاباتی، این امر می‌تواند به عنوان پاشنه آشیل دولت باراک اولیاما محسوب شود. طرفه آنکه با وجود «جنبش تی پارتی» و موج‌سواری جمهوری‌خواهان از این جنبش، کار بیش از پیش برای دموکرات‌ها سخت شده است.

دموکرات‌ها که همیشه، نقطه قوت خود را در ارایه طرح‌های اقتصادی می‌دانستند و در خطمشی‌هایشان رویکرد اقتصادی اولویت اول را داشت، هم اکنون از جایی ضربه می‌خورند که زمانی نقطه‌قوت‌شان بود.